

کنکا ۴۰۱ اور



زبان قرآن
عربی
جامع



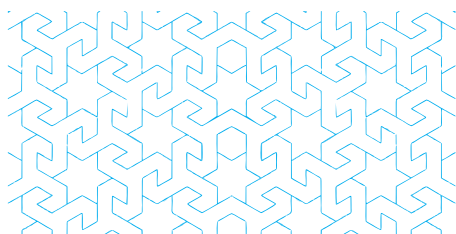
تجربی ریاضی

یازدهم



مهدی ترابی





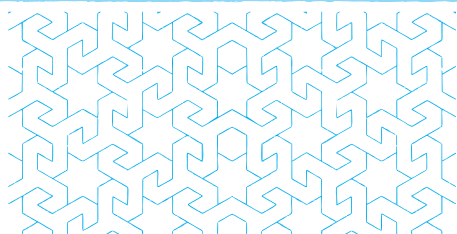
ווע
זענע
וועט
וועט

וועט

וועט

וועט

וועט



به نام خدایی که مهربان بی‌همتاست

وقتی به جهان پیرامون خودمان با دقت نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که سرعت تغییرات پدیده‌های اطرافمان آن قدر زیاد شده که گاهی نمی‌توانیم خودمان را با این تغییر مطابق کنیم و صادقانه، از خیلی از آنها جا می‌مانیم، یکی از این پدیده‌ها «کنکور سراسری» است که علی‌رغم جوانی و تازگی نظام جدید، در درس عربی، کاملاً بلوغ و تکامل در کنکورهای برگزار شده به چشم می‌خورد و به همین دلیل تمام سعی ما این بوده که هر سال این تغییر و تحولات را در کتاب عربی مبتکران لحاظ کنیم، اما در این راه یک مشکل بزرگ وجود داشت و آن هم زیاد شدن تعداد صفحات کتاب بود که برای رفع این مشکل تصمیم گرفتیم کتاب «عربی جامع کنکور» را به صورت سه جلدی، شامل «دهم جامع»، «یازدهم جامع» و «دوازدهم جامع» ارائه دهیم، به نحوی که دانش‌آموز را از خرید کتاب دیگری در درس عربی بی‌نیاز کند.

کتابی که تقدیم شما می‌شود مربوط به پایه یازدهم ریاضی و تجربی از سری کتاب‌های جامع پایه است و همان طور که از عنوانش مشخص است (جامع)، تمام نیازهای دانش‌آموز یازدهمی و دانش‌آموز کنکوری در عربی یازدهم را تأمین می‌کند و شما در یک کتاب، تمام آنچه می‌خواهید، را دریافت می‌کنید.

این کتاب، مطالب زیر را شامل می‌شود:

- تست‌های ترجمه، تعریب، قواعد، واژگان، درک مطلب، ضبط الحركات و تحلیل صرفی (سراسری و تالیفی)
- آموزش کامل قواعد و نکات ترجمه
- ترجمه خط به خط کتاب درسی
- لغت نامه کامل درس به درس
- حل تمرین‌های کتاب درسی
- مترادف و متضاد هر درس
- نمودار خلاصه قواعد و نکات ترجمه
- انواع فعل‌ها و مصدرهای هر درس
- مثال‌نامه‌ها برای بالا بردن تراز آزمون‌ها
- جمع‌های مکسر هر درس

با تهیه این کتاب موارد زیر را به‌دست می‌آورید:

درس‌نامه: در این قسمت تمام موضوعات قواعدی به طور کامل تدریس شده است.
نکته‌نامه: نکات تستی و تشریحی و موارد فرعی درسنامه، در قالب «نکته‌نامه» آمده است.
اشتباه شونده‌ها: مواردی که معمولاً در قسمت‌های قواعدی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود.
کارگاه ترجمه: نکات ترجمه‌ای مربوط به هر درس که به صورت قالب ثابت در قسمت آموزش آورده شده و برای آزمون‌های تستی و تشریحی بسیار کاربردی است.
ترجمه خط به خط: تمام متن‌های کتاب درسی به طور کامل، کلمه به کلمه و خط به خط ترجمه شده است.
المعجم: لغت‌نامه‌ی کامل هر درس است که نسبت به لغت‌نامه‌ی کتاب درسی، لغات بیشتری در خود جای داده است.

حل تمرین‌های کتاب: تمام تمرین‌های کتاب درسی به صورت کامل و با توضیحات کافی حل شده است.
 (لازم به ذکر است بخش زیادی از تست‌ها مربوط به تمرین‌های کتاب است.)
مترادف - متضاد: این بخش برای هر درس به طور جداگانه به شناخت ارتباطات معنایی کلمات کمک می‌کند.

جمع مکسر: شناخت جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها در هر درس کمک قابل توجهی به حل تست‌ها می‌نماید.

انواع فعل: تمام فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدرهایی که در هر درس از کتاب وجود دارد، به‌طور جداگانه در جدول قرار گرفته است؛ چون اعتقاد داریم مهم‌ترین جزء عربی نظام جدید «فعل» است.

مرور و جمع‌بندی در یک نگاه: قطعاً دانش‌آموزانی که در آزمون‌های آزمایشی شرکت می‌کنند، به خوبی این مسأله را درک می‌نمایند که داشتن یک خلاصه جامع و کامل و آماده می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

مثال‌نامه: شاید به جرأت یکی از ابتکارها و تفاوت اصلی این کتاب با سایر کتب بازار، مربوط به همین قسمت باشد، ما معتقدیم وقتی در هر درس از کتاب، تمام مثال‌های مربوط به قواعد آن درس را به‌طور کامل و یک‌جا ببینید، قطعاً می‌توانید در آزمون‌ها و حل تست‌ها موفق‌تر باشید، مثال‌نامه را خیلی جدی بگیرید!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای: پس از پایان قسمت آموزش در این کتاب، حالا وقت آن است که با شکل تستی سؤالات آشنا شوید که در این قسمت پرسش‌های چهارگزینه‌ای به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. واژگان (مترادف - متضاد) ۲. حوارات (گفت‌وگوها) ۳. ترجمه و تعریب ۴. درک مطلب

۵. قواعد ۶. پرسش‌های کنکور سراسری

پاسخ‌نامه: برای هریک از پرسش‌های چهارگزینه‌ای، پاسخنامه تشریحی در انتهای کتاب قرار دارد و تلاش کرده‌ایم تا جایی که ممکن است در قسمت پاسخنامه به تحلیل تمام گزینه‌ها بپردازیم.

در روند تولید کتاب نیز معمولاً فقط نام مولف به چشم می‌آید درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پرتلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزان به اشتراک بگذارم:

سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران

جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

تایپ و صفحه‌آرایی: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

گرافیک و طراح جلد: بهاره خدای

تیم آکادمی عربی، علی‌الخصوص جناب آقای میثم تقی‌نژاد که به صورت پیگیر و مستمر در مراحل تولید و ویرایش کتاب به عنوان همکار مولف و ویراستار علمی تلاش و دلسوزی داشتند.

سرکار خانم فائزه جعفری که در ویرایش بخش‌هایی از کتاب در کنار ما بودند.

همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گرانقدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر منت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام و اینستاگرام زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانبه‌تر است.

مهدی ترابی

تلگرام: arabiacademy

اینستاگرام: arabiacademy



فهرست



شماره صفحه

نام درس

درس اول	۷
درس دوم	۴۱
درس سوم	۷۳
درس چهارم	۱۰۷
درس پنجم	۱۳۵
درس ششم	۱۶۹
درس هفتم	۲۰۳
پاسخ نامه	۲۳۵
سوالات کنکور ۱۴۰۰	۳۰۳
پاسخ نامه سوالات کنکور ۱۴۰۰	۳۱۵

الدرس الاول:

محتوا دريك نگاه

قواعد اين درس شامل اسم تفضيل و اسم مكان مي باشد.
پيش نياز: قواعد اين درس مرتبط با قواعد درس ۸ سال دهم است و از
اين مباحث به صورت مستقل و تركيبی تست طرح مي شود يكي از موارد
مورد علاقه طراحان سؤال در اين درس تشخيص «خير» و «شر» در معنای
اسم تفضيل و معنای مصدری مي باشد لطفاً به آن توجه داشته باشيد.

اسم تفضیل

اسمی است که نشان دهنده برتری کسی یا چیزی است و معادل صفت برتر و یا صفت عالی (برترین) فارسی است. اسم تفضیل در زبان عربی، برای مذکر با وزن «أَفْعَل» و برای مؤنث با وزن «فُعْلَى» ساخته می شود.

نمونه: أَحْسَن: بهتر - بهترین ← مؤنث ← حَسَنَى
أَعْظَم - عَظْمَى / أَكْبَر - كِبَرَى

اسم مکان

اسمی که معنای مکان انجام شدن فعل را دارد و وزن های آن شامل سه مورد زیر است:
مَفْعَل (مَكْتَب - مَطْبَخ) / مَفْعِل (مَحْمِل - مَسْجِد - مَغْرِب) / مَفْعَلَة (مَدْرَسَة - مَكْتَبَة - مَزْرَعَة)

نمونه تست

عَيْنِ الْجَوَابِ الَّذِي مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱) أُذْنِي / دُنْيَا ۲) أَحْسَن / حَسَنَى ۳) آخِر / آخِرَة ۴) أَعْظَم / عَظْمَى

پاسخ تست: **گزینه ۳**

در گزینه (۳) «آخِر» و «آخِرَة» بر وزن اسم فاعل می باشند اما سایر گزینه ها از اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فُعْلَى» تشکیل شده اند.

نمونه تست

عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي يَوْجَدُ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ؟

- ۱) الْغَدْرُ عِنْدَ كِرَامِ النَّاسِ مَقْبُول ۲) الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شُكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ.
۳) لَيْتَ الشُّرُورَ دَائِمٌ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا ۴) كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ

پاسخ تست: **گزینه ۴**

در گزینه «۱» «الغدر» جامد است، در گزینه «۲»، «المؤمن» اسم فاعل می باشد در گزینه «۳»، «الشُّرُور» و «الحياة» جامد هستند. کلمه «مَكْتَبَة» در گزینه «۴» اسم مکان می باشد.

نکته نامه

۱) اسم تفضیل با دو وزن فرعی دیگر نیز ساخته می شود که «أَفْعَل» و «أَفْعَى» می باشند.

نمونه: أَجَلٌّ: گرانقدرتر / أَعَزَّ: عزیزتر / أَصَحَّ: صحیح تر / أَضَلُّ: گمراه تر

أَقْوَى: قوی تر / أَخْفَى: مخفی تر / أَبْقَى: پایدارتر / أَدْنَى: پست تر

۲) علاوه بر وزن های گفته شده، دو اسم «خَيْر» و «شَر» در صورتی که در عبارت داده شده، معنای «بهتر-بهترین» و یا «بدتر-بدترین» داشته باشند اسم تفضیل به حساب می آیند.

نمونه: خَيْرُ الْأَصْحَابِ مَنْ يَدُلُّكَ عَلَى الْخَيْرِ: بهترین یاران کسی است که تو را به سوی خوبی راهنمایی کند.

شَرُّ النَّاسِ أَدْنَى مِنَ الْبَهَائِمِ: بدترین مردم پست تر از چهارپایان است.

اسم تفضیل

۳) دو کلمه «خَيْر» و «شَر» معمولاً اگر مضاف باشند (بعدها مضاف الیه آمده باشد) و یا همراه با حرف جر «مِنْ» باشند، اسم تفضیل هستند.

و اگر همراه با «أَل» باشند (الْخَيْر - الشَّر) و یا قبل از آنها «لَا نَفِي جَنْسِ» (در عربی دوازدهم خواهید خواند). آمده باشد، اسم تفضیل نیستند.

نمونه: لَا خَيْرَ فِي وُدِّ إِمْرِي مِتْلُونٍ: هیچ خوبی در دوستی انسان دو رنگ نیست.

اسم تفضیل نیست



۴) اسم‌های تفضیل بر وزن «أَفْعِل» جمع بسته می‌شوند.

نمونه: أعظم / أعظم / أول / أوائل

۵) هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث، اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود.

نمونه: فاطمة أكبر من زينب: فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.

اما اگر بخواهیم از اسم تفضیل به عنوان «صفت» استفاده کنیم در این صورت برای اسم مؤنث باید از «فُعَلَى» استفاده کنیم.

نمونه: خديجة الكبرى / أختي الصغرى (خواهر کوچک‌ترم)

۶) اسم‌های مکان معمولاً با وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شوند.

نمونه: مكْتَب / مكاتِب / مَسْجِد / مَساجِد / مَدْرَسَة / مدارس

۷) اسم‌های مکان نیز مانند اسم‌های تفضیل، دارای وزن‌های فرعی به صورت زیر می‌باشد.

محل دور زدن زیارتگاه قرارگاه راهرو محل فرار پناهگاه چراگاه محل جریان

↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑ ↑

مفال (مدار - مکان - مزار) / مَقْل (مَقَر - مَمَر - مَقَر) / مَفْعَل (مَأوى - مَرعى - مَجرى)

نمونه تست

عين الصحيح عن اسم التفضيل:

۱) إنَّ الصحيفة الجدارية لهذا اليوم كبرى من صحيفة أمس!

۲) أختي التي عمرها خمس عشرة سنة أكبر من أخت صديقتي!

۳) الحديقة التي أمام بيتنا حسنى من الحديقة أمام بيت أختي!

۴) الليلة التي تساعد الآخرين فيها فضلى من بقية الليالي!

پاسخ تست: گزینه ۲

گزینه ۱: چون مفهوم کلی جمله نشان دهنده «مقایسه» است باید اسم تفضیل به صورت «أَفْعَل» استفاده شود. (اکبر)

گزینه ۳: به دلیل مشابه (أحسن)

گزینه ۴: به دلیل مشابه (أفضل)

نمونه تست

عين كلمة «خير» ليست اسم التفضيل:

۱) من يعمل مثقال ذرة خيراً يره!

۲) خير الناس من يعين الناس!

۳) انتخب خير الكلام فى تكلمك!

پاسخ تست: گزینه ۲

گزینه ۱: هرکس ذره‌ای خوبی انجام دهد آن را می‌بیند. (اسم تفضیل نیست)

گزینه ۲: بهترین مردم کسی است که به دیگران کمک می‌کند. (اسم تفضیل)

گزینه ۳: در گفتارت بهترین کلام را انتخاب کن. (اسم تفضیل)

گزینه ۴: بهترین کارها به دست آوردن روزی حلال است. (اسم تفضیل)

اشتباه شونده‌ها

۱) اسمی بر وزن «أَفْعَل» باشد اسم تفضیل است مگر اینکه معنی «رنگ» یا «عیب و نقص» داشته باشد که در این صورت اسم تفضیل به حساب نمی‌آید.

نمونه: أكبر / اسم تفضیل / أحمر / أغوج / أغرج / أضفر / أحمر / اسم تفضیل نیستند

(نادان) (کج) (لنگ) (زرد) (سرخ)

۲) اسم تفضیل و رنگ‌ها و عیب‌ها فقط وزن مذکرشان یکی است ولی وزن مؤنث آنها با هم فرق دارد.

نمونه: أكبر مؤنث / كبرى (فُعَلَى) / أحمر مؤنث / حمراء (فُعَلَاء)

۳) وقتی که اسم تفضیل به شکل (أَفْعَى) باشد و به آن ضمیر بچسبد، به صورت (أَفْعَا) نوشته می‌شود.

نمونه: أَخْفَى + كم ← أَخْفَاكُم

۴) اسم تفضیل مؤنث که با وزن «فُعَلَى» ساخته می‌شود، گاهی به شکل «فُعَلَا» هم دیده می‌شود.

نمونه: دُنْيَا - عُلْيَا

۵) کلمه «آخِر» به معنی «دیگر - دیگری» اسم تفضیل است و مؤنث آن می‌شود «أُخْرَى» اما کلمه «آخِر» به معنی «پایان - انتها» اسم فاعل است. مؤنث آن می‌شود «آخِرَة»

۶) برخی کلمات بر وزن «مَفْعَلَة» معنای مصدر می‌دهند و نباید آنها را با اسم مکان اشتباه بگیرید.

نمونه: مَسْأَلَة ← سؤال و درخواست / مَعْرِفَة: شناخت

۷) مراقب باشید اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» را با فعل ماضی باب «إِفْعَال» اشتباه نگیرید.

نمونه: اسم تفضیل: أَحْسَنُ التَّلَامِيزِ فِي الْمَدْرَسَةِ أَكْثَرَهُمْ أَدَبًا: بهترین دانش‌آموزان در مدرسه با ادب‌ترین آنهاست.

فعل ماضی: أَحَسَّنَ التَّلَامِيزَ إِلَى الْفُقَرَاءِ فِي «مَهْرَجَانِ الْإِحْسَانِ»: دانش‌آموزان در جشن نیکوکاری به فقیران نیکی کردند.

کارگاه ترجمه

۱) اسم تفضیل: در هنگام ترجمه به صورت (...تر) یا (...ترین) ترجمه می‌شود.

نمونه: أَنْفَع ← سودمندتر / سودمندترین

۲) هرگاه اسم تفضیل پس از حرف جرّ «مِنْ» بیاید به صورت صفت برتر (...تر) ترجمه می‌شود.

نمونه: الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ علم بهتر از ثروت است.

۳) هرگاه پس از اسم تفضیل، مضاف‌الیه بیاید، به صورت صفت عالی (...ترین) ترجمه می‌شود.

نمونه: أَسْيَا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

أَسْيَا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

۴) هرگاه قبل از فعل مضارع حرف «قد» بیاید، در ترجمه فعل مضارع از «شاید، گاهی و ...» استفاده می‌کنیم:

نمونه: قَدْ يَذْهَبُ: شاید می‌رود - گاهی اوقات می‌رود.

۵) هنگامی که دو کلمه «بعض» در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در ترجمه از عبارت «یکدیگر» استفاده می‌کنیم:

نمونه: لَا يَتَغَبَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا: نباید از یکدیگر غیبت کنید.

۶) کلمه «بئس» به معنی «چه بد است» یا «بد ... است» می‌باشد.

نمونه: بئس العملُ الفسوقُ: فسق (گناهکار بودن) چه بد، کاری است.

ترجمه خط به خط

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ الْحُجُرَات: ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِنَ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ: از آیات اخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

ای کسانی که ایمان آوردید

۲. لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ

نباید مردمانی مردم دیگر را ریشخند کند (گروهی، گروه دیگر را مسخره کند)

۳. عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ

شاید آنها از خودشان بهتر باشند



عربی

جامع

یازدهم

۴. وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ

و نباید زنانی زنانِ (دیگر) را (ریشخند کنند)، شاید آنها از خودشان بهتر باشند

۵. وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ

و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید

۶. وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ

و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید

۷. بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

نام زشت پس از ایمان، زشت (بد) است

۸. وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و هرکس توبه نکرد آنان خودشان ستمکارند

۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی گمان‌ها گناه است

۱۰. وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بََعْضُكُم بَعْضاً

و جاسوسی (تجسس) نکنید و بعضی از شما غیبت (بدگویی) برخی دیگر را نکنند

۱۱. أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ

آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید (پس از آن کراهت دارید)

۱۲. ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْخَبَرَات: ۱۱ و ۱۲

و از خدا پروا کنید (بترسید)؛ که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

۱۳. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا

گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر است

۱۴. فَعَلَيْنَا أَنْ نُبْعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا به اشاره ذکر نکنیم!

۱۵. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع):

امیر مؤمنان علی (ع) فرموده‌اند:

۱۶. «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

بزرگترین عیب آن است که آنچه مانند آن در توست را عیب بشماری.

۱۷. تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ:

آیه اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید:

۱۸. لَا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ.

از دیگران عیب‌جویی نکنید.

۱۹. وَلَا تُلَقِّبُوهُمْ بِالْأَقَابِ يَكْرَهُونَهَا.

و به آنها لقب‌هایی که آنرا ناپسند می‌دارند ندهید.



۲۰. يَسِّرِ الْعَمَلَ الْفُسُوقُ!

آلودگی به گناه، بد است!

۲۱. وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

و هرکس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

۲۲. إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

۲۳. الْأَسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

ریشخند کردن دیگران، و نامیدن آنها با اسم‌های زشت.

۲۴. سُوءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی، و آن عبارت است از، اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیل منطقی.

۲۵. التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِم.

جاسوسی، و آن عبارت است از، تلاشی زشت برای آشکار کردن (کشف) رازهای مردم برای اینکه آنها را رسوا کند.

۲۶. وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

و آن از گناهان بزرگ در آیین (مکتب) ما و از اخلاق بد است.

۲۷. وَ الْغَيْبَةِ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ بَيْنَ النَّاسِ.

و غیبت، و آن از مهم‌ترین دلیل‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۲۸. سَمَّىٰ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی مفسران، سوره حُجُرَات را که این دو آیه، در آن آمده است را سوره اخلاق نامیده‌اند.

الْمُعْجَم

فُسُوق: آلوده شدن به گناه	تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَى / مضارع: يُسَمِّي)	اتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید
فَضَح: رسوا کردن	تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)	إِثْم: گناه = ذَنْب
قَدْ: گاهی، شاید (برسر مضارع) «قَدْ يَكُونُ»: گاهی می‌باشد / بر سر فعل ماضی برای نزدیک شدن به زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	تَوَاب: بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده	استهزاء: ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)
كِبَائِر: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَة»	تَوَاضَّل: ارتباط (تَوَاضَّلَ، يَتَوَاضَّلُ)	إِغْتَاب: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند
كَرِهَ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)	حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)	أَنْ يَكُنْ: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)
لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم»	خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر	أَنْ يَكُونُوا: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)



بَغَضَ .. بَغْضًا: یکدیگر	سَخَرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ، مصدر: سَخَرِيَّة) لا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند.	لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلقَّبُ)
بُئْسَ: بد است	عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)	لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)
تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد	عُجِبَ: خودپسندی	مَيِّتٌ: مُرَدَه «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ
تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)	عَسَى: شاید = رُبَّمَا	نِسَاء: زنان
اجْتَنَبُوا: دوری کنید	الْظَّنُّ: گمان	أَنْ يَأْكُلَ: که بخورد
أَنْ نَبْتَعدَ: که دور شویم	أَنْ لَا نَذْكُرَ: که ذکر نکنیم	تَنَصَّحْنَا: ما را نصیحت می کند
الْقُسُوقُ: آلودگی به گناه	الْقَبِيحَةُ: ناپسند - زشت	مَحَاوَلَةٌ: تلاش
أَهَمُّ: مهم ترین	السُّخْرِيَّة: مسخره کردن	يُنْهَى: نهی می کند
عَلَّمَ: آموزش داد	تَبَاذُلَ: عوض کردن	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
حَيٌّ: بشتاب	أَهْدَى: هدیه کرد	عَلَبْتُ: چیره شد
البهائم: چارپایان	جادِلْهُمْ: با آنها بحث کن	ضَلَّ: گمراه شد
ملعبٌ: ورزشگاه	مَطْعَمٌ: رستوران	مَصْنَعٌ: کارخانه
مَطْبَخٌ: آشپزخانه	مَوْقِفٌ: ایستگاه	مَنْزِلٌ: خانه
مكتبة: کتابخانه	مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	إِحْسَانٌ: نیکی کردن
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	إِنْكِسَارٌ: شکسته شدن	بائع الملبس: فروشنده لباس ها
القميص الرجالي: پیراهن مردانه	أَرْخَصَ: ارزان تر	تَفَضَّلِي: بفرما
سِعْرٌ: قیمت «جمع أسعار»	نوعِيَّة: جنس	مَتَجَرٌ: مغازه
زميل: همکار - همشاگردی	تَخْفِيفٌ: تخفیف	سَاءَ: بد شد
عَذَبٌ: عذاب داد	لِئْتَمَّ: تا کامل کنم	حَسَنْتُ: نیکوگردانیدی
میزان: ترازو	سكينة: آرامش	لَا يُكَلِّفُ: تکلیف نمی کند
ذَهَبٌ: طلا	فِضَّة: نقره	عَدَاوَةٌ: دشمنی
صداقة: دوستی	سَاتِرٌ: پوشاننده	مَيِّتٌ: مرده
عُجِبَ: خودپسندی	عَابَ: عیب جویی کرد	سَخَرَ: مسخره کرد
يَعْتَذِرُ: عذرخواهی می کند		

حول النص

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را براساس متن درس مشخص کنید.)

۱. سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. ❌

[ترجمه:] برخی مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

۲. حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطْ. ❌

[ترجمه:] خداوند در این دو آیه فقط ریشخند کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳. الْغِيَّةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُان. ☑

ترجمه: غیبت آن است که تو برادر و خواهرت را به آنچه ناپسند می شمارند، یاد کنی.

۴. إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّحْرِیَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ. ☑

ترجمه: قطعاً خداوند مردم را از ریشخند کردن دیگران باز می دارد.

۵. الشَّعْیُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِیلٌ. ☒

ترجمه: تلاش برای شناخت اسرار دیگران، کاری زیباست.

اخْتِیرْ نَفْسَکَ

اخْتِیرْ نَفْسَکَ: تَرَجِمِ الْأَحَادِثَ الثَّالِثَةَ، ثُمَّ صَغْ خَطَا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (خودت را بیازمای: حدیث های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ: مِنْ أَحَبِّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

ترجمه: از رسول خدا سوال شد: محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که سودش به مردم بیشتر باش.

پاسخ: أَحَبُّ: اسم تفضیل (محبوب ترین) / أَنْفَعُ: اسم تفضیل (سودمندترین)

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خود اضافه کند.

پاسخ: أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناترین)

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: بهترین کارها: کسب (روزی) حلال است.

پاسخ: أَفْضَلُ: اسم تفضیل (بهترین)

اخْتِیرْ نَفْسَکَ

اخْتِیرْ نَفْسَکَ: تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّالِثَةَ. (خودت را بیازمای: عبارات های زیر را ترجمه کن.)

۱. «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ » الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

ترجمه: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگان هستی.

پاسخ: خَيْرٌ (بهترین): اسم تفضیل

۲. خَيْرٌ إِخْوَانُكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: بهترین دوستانتان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند.

پاسخ: خَيْرٌ (بهترین): اسم تفضیل

۳. «كَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» الْقَدَر: ۳

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است.

پاسخ: خَيْرٌ (بهتر): اسم تفضیل

۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

ترجمه: هرکس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او از چهارپایان (حیوانات) بدتر است.

پاسخ: شَرٌّ (بدتر): اسم تفضیل

۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

ترجمه: بدترین مردم افراد دو رو هستند.

پاسخ: شَرٌّ (بدترین): اسم تفضیل



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (خودت را بیازمای: دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» (التَّحْل: ۱۲۵)

شرح مفردات: جادل: بحث کن / ضل: گمراه شد

[ترجمه]: و با آنان با [شیوه‌ای] که نیکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است.

[پاسخ]: أَحْسَنُ: اسم تفضیل (نیکوتر، خوبتر) أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناتر)

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (الأعلى: ۱۷)

[ترجمه]: و (جهان) آخرت بهتر و پایدارتر (ماندگارتر) است.

[پاسخ]: خَيْرٌ: اسم تفضیل (بهتر) أَبْقَى: اسم تفضیل (پایدارتر)

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» فی خوزستان أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

[ترجمه]: کتابخانه جندی شاپور در خوزستان، بزرگترین کتابخانه در دنیای قدیم بود.

[پاسخ]: أَكْبَرُ: اسم تفضیل (بزرگترین) مَكْتَبَةٍ: اسم مکان (کتابخانه)

حواژ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حواژ / گفتگو

فی سوقِ مَشْهَد: در بازار مشهد

بائعُ الْمَلَائِسِ: فروشنده لباس‌ها	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ: خانم زائر عرب
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَباً بِكُمْ. علیکم السلام. خوش آمدی.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ سلام علیکم
سَتُونَ أَلْفَ تَومَان. ۶۰ هزار تومان	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چقدر است؟
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي. به قیمت ۵۰ هزار تومان داریم. بفرما ببین.	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران (بالا) است.
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي. سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ چه رنگی دارید؟
تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَان. قیمت‌ها از ۷۵ هزار شروع می‌شود تا ۸۵ هزار تومان	بَكَمْ تَومَان هَذِهِ الْفُسَاتِينُ؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعَّاتِ. خانم، قیمت بر حسب جنس فرق دارد.	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! قِيمَتِهَا غَرَان (بالا) است!

بائع المَلایِس: فروشنده لباس ها	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ: خانم زائر عرب
السُّرُوالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان، وَ السُّرُوالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان. شلوار مردانه ۹۰ هزار تومان و شلوار زنانه ۹۵ هزار تومان است.	بِکَم تومان هَذِهِ السُّرَاوِيلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذَلِكَ مَثَجَرٌ زَمِيلِي، لَهُ سُرَاوِيلُ أَفْضَلُ. آن مغازه همکار من است، شلوارهای بهتری دارد.	أُرِيدُ سُرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهایی بهتر از این را می خواهم.
فِي مَتَجَرِ زَمِيلِهِ ... : در مغازه همکارش ...	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَان. مبلغ ۲۳۰ هزار تومان شد. أَعْطَانِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. بعد از تخفیف، به من ۲۲۰ هزار بده.	رَجَاءً، أَعْطَانِي سُرُوالاً مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ... لطفاً، شلواری از جنس و ... به من بده. كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ مبلغ چقدر شد؟

تمرین ۱

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَى كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغتنامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد.)

۱. جَعَلَهُ حَرَامًا: آن را حرام کرد.
[پاسخ: حَرَمَ: حرام کرد]
۲. الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: کسی که زنده نیست.
[پاسخ: مَيِّت: مُرده]
۳. الذَّنُوبُ الْكُبْرَى: گناهان بزرگ
[پاسخ: كِبَائِرُ: گناهان بزرگ]
۴. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: کسی که توبه بندگان را می پذیرد.
[پاسخ: تَوَّابٌ: بسیار توبه پذیر]
۵. تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: نامیدن دیگران به اسم های زشت.
[پاسخ: تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن]
۶. ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: آن چه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نمی شوند، بیان کرد.
[پاسخ: إِغْتَابَ: غیبت کرد]

تمرین ۲

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن سپس آنچه خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
(الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)
[ترجمه: خوش اخلاقی نیمی از دین است.
[پاسخ: حُسْنٌ: مبتدا نِصْفٌ: خبر]
۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
(الْفَاعِلُ وَ الْمَفْعُولُ)
[ترجمه: هر کس اخلاقش بد باشد (شود)، خودش را عذاب می دهد.
[پاسخ: خُلُقٌ: فاعل نَفْسٌ: مفعول]



عربی

جامع

یازدهم

۳. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْفِعْلُ الْمَاضِيَ الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)

ترجمه: فقط برانگیخته شدم برای این که صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

پاسخ: بُعِثْتُ: فعل ماضی مجهول مَکَرِمَ: مفعول

۴. اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِيْ، فَحَسِّنْ خُلُقِيْ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (فِعْلُ الْأَمْرِ وَالْفِعْلُ الْمَاضِيَ)

ترجمه: خدایا، همان طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، اخلاق مرا هم نیکو بگردان.

پاسخ: حَسَّنْتَ: فعل ماضی حَسِّنْ: فعل امر

۵. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)

ترجمه: در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی نیست.

پاسخ: أَثْقَلَ: اسم تفضیل فی الْمِيزَانِ / مِنَ الْخُلُقِ: جار و مجرور

تمرین ۳

التَّامِرُ الْثَالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل ها و مصادر زیر را ترجمه کن.)

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ اللَّهْي	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ: نیکو کرده است	يُحْسِنُ: نیکو می کند	أَحْسِنْ: نیکو کن	إِحْسَان: نیکو کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يَسَافِرُ: سفر نمی کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مَسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيم: آموزش دادن

تمرین ۴

التَّامِرُ الرَّابِعُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (عملیات حسابی زیر را همانند نمونه بنویس)

۱. عَشْرَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

۲. مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. $100 \div 2 = 50$

۳. ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ. $8 \times 3 = 24$

۴. سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَ سِتِّينَ. $76 - 11 = 65$



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِي لِلْكَلِمَاتِ الْمُكَلَّاتَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن)

۱. ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ۲۶

ترجمه: پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

پاسخ: الله: فاعل / سَكِينَةً: مفعول / رسول: مجرور به حرف جر

۲. ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

ترجمه: خداوند کسی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.

پاسخ: الله: فاعل / نفْسًا: مفعول

۳. الشُّكُوتُ ذَهَبَ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: شکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره است.

پاسخ: الشُّكُوتُ: مبتدا / ذَهَبَ: خبر / الْكَلَامُ: مبتدا / فَضَّةٌ: خبر

۴. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آنها به بندگان است.

پاسخ: أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف الیه / الله: مجرور به حرف جر / أَنْفَعُهُمْ: خبر / لِعِبَادِهِ: جار و مجرور

۵. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه: دشمنی دانا، بهتر از دوستی نادان است.

پاسخ: عَدَاوَةُ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر / صَدَاقَةُ: مجرور به حرف جر / الْجَاهِلِ: مضاف الیه

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنِ إِسْمِ الْفَاعِلِ، وَ إِسْمِ الْمَفْعُولِ، وَ إِسْمِ الْمُبَالِغَةِ، وَ إِسْمِ الْمَكَانِ، وَ إِسْمِ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب ها و جمله های زیر را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ الشُّعْرَاءُ: ۲۸

ترجمه: پروردگار مشرق و مغرب (خدای شرق و غرب)

پاسخ: الْمَشْرِقِ: اسم مکان / الْمَغْرِبِ: اسم مکان

۲. ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۱۰۹

ترجمه: ای گمان فقط تو بسیار دانای غیب ها هستی.

پاسخ: عَلَامٌ: اسم مبالغه

۳. ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ یس: ۵۲

ترجمه: چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این است آنچه که خداوند رحمان وعده داده و پیامبران (فرستادگان) راست گفتند. (می گفتند)

پاسخ: مَرْقَدٌ: اسم مکان / الْمُرْسَلُونَ: اسم مفعول

۴. يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

ترجمه: ای کسی که نیکوکاران را دوست می دارد.

پاسخ: الْمُحْسِنِينَ: اسم فاعل



۵. یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

[ترجمه:] ای مهربان‌ترین مهربانان

[پاسخ:] أَرْحَمَ: اسم تفضیل الرَّاحِمِينَ: اسم فاعل

۶. یا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.

[ترجمه:] ای پوشاننده هر معیوبی

[پاسخ:] سَاتِرَ: اسم فاعل مَعْيُوبٍ: اسم مفعول

۷. یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.

[ترجمه:] ای بسیار آمرزنده گناهان

[پاسخ:] غَفَّارَ: اسم مبالغه

تمرین ۷

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه نا آشنا در هر مجموعه را مشخص کن)

۱. صَبَاح: صبح ☐ مَسَاء: غروب ☐ لَيْل: شب ☐ مَيِّت: مرده ☒
۲. عُجْب: خودپسندی ☐ لَحْم: گوشت ☒ فُسُوق: آلوده شدن به گناه ☐ إِثْم: گناه ☐
۳. كِبَائِر: گناهان بزرگ ☒ نِسَاء: زنان ☐ رِجَال: مردان ☐ أَوْلَاد: فرزندان ☐
۴. سَخِرَ: مسخره کرد ☐ عَابَ: عیب‌جویی کرد ☐ سَاعَدَ: یاری کرد ☒ لَمَزَ: عیب گرفت ☐
۵. أَخْمَر: قرمز ☒ أَحْسَن: نیکوتر ☐ أَجْمَل: زیباتر ☐ أَصْلَح: شایسته‌تر ☐
۶. أَصْفَر: زرد ☐ أَرْزَق: آبی ☐ أَبْيَض: سفید ☐ أَكْثَر: بیشتر ☒

تمرین ۸

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده)

۱. اشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. سَرَاوِيل: شلوارها ☒ أَشْهُرًا: ماه‌ها ☐ مَوَاقِفَ: ایستگاه‌ها ☐
[ترجمه:] شلوارها و پیراهن‌هایی با قیمت‌هایی ارزان در مغازه خریدیم.
۲. مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ. إِعْتَابَ: غیبت کرد ☒ اتَّقَى: پروا کرد ☐ مَدَحَ: ستود ☐
[ترجمه:] هرکس از مومنان غیبت کند پس او باید از آنها عذرخواهی کند.
۳. حَاوَلَ الْأَعْدَاءُ أَنْ بِنَا وَ يَسْخَرُوا مِنَّا. يَسْتَهْزِئُوا: ریشخند کنند ☒ يَسْتَسْلِمُوا: تسلیم شوند ☐ يَسْتَقْبِلُوا: استقبال کنند. ☐
[ترجمه:] دشمنان تلاش کردند که ما را ریشخند و مسخره کنند.
۴. أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ. نَوَعِيَّةً: جنس ☐ مَتَجَرٍّ: مغازه ☐ تَخْفِيفَ: تخفیف ☒
[ترجمه:] مشتری تخفیف قیمت خواست.





مترادف‌ها (=)

خَیر = أَحْسَن	نِساء = إِمْرَأَة	اجْتَنَبُوا = حَذَرُوا	إِثم = ذَنْب	عُجِب = كَبِر
كَلَام = قَوْل	خَفِيَ = مُسْتَتَر	عَمَلَ = فَعَلَ	مُحاوَلَة = سَعَى	قَبِيحَة = كَرِهَة
أَسْرار = رَمُوز	أَسباب = عِلَل	عَسَى = رُبُّمَا	أَفْضَل = أَحْسَن	سَنَة = عَام
ذو = ذات	سَبيل = طَرِيق	قَدِيم = عَتِيق	مَتَجَر = دَكَّان	بُعِثَ = أُرْسِلَ
رَسُول = نَبِي	تَمَمَّ = كَمَّلَ	سَعَر = قِيَمَة	صَار = أَصْبَح	فَلَقَ = فَجَّر
حَيَّ = إِسْرَعَ	حَاوَلَ = اجْتَهَدَ	سَاتَرَ = كَاتَمَ		

متضادها (≠)

خَير ≠ شَر	نِساء ≠ رِجال	بِشَس ≠ نِعَم	اِبْتَعَدُوا ≠ اقْتَرَبُوا	مَيّت ≠ حَيّ
خَفِيَ ≠ ظَاهِر	قَبِيحَة ≠ جَمِيلَة	سَيِّئَة ≠ حَسَنَة	قَطَعَ ≠ وَصَلَ	مَعْرِفَة ≠ نَكْرَة
أَكْبَر ≠ أَصْغَر	أَعْلَى ≠ أَسْفَل	أَقْلَ ≠ أَشَدَّ	أَرَادِلَ ≠ أَفْضَلَ	جَمَعَ ≠ فَرَّقَ
حَلال ≠ حَرَام	أَمَانَة ≠ خِيَانَة	لَيْل ≠ نَهَار	آخِرَة ≠ دُنْيَا	قَدِيم ≠ حَدِيث
أَرْخَصَ ≠ أَغْلَى	أَبْيَض ≠ أَسْوَد	كَبِير ≠ صَغِير	سَاءَ ≠ حَسَنَ	أَثْقَلَ ≠ أَخَفَّ
إِحسان ≠ إِسَاءَة	عَدَاوَة ≠ صَدَاقَة	عَاقِل ≠ جَاهِل	أَكْثَر ≠ أَقَلَّ	أَعْداء ≠ أَصْدِقَاء
غَالِيَة ≠ رَخِيصَة				

جمع‌های مکسر

أَقْوام	أَنْفُس	أَلْقَاب	أَسْماء	لُحُوم
إِخْوَة / إِخْوان	عُيُوب	آيَات	أَشْخاص	أَسْرار
كَبائر	ذُنُوب	مَكاتِب	أَسباب	أَمْوات / مَوْتى
مَعارِف	أُمُور	جِبال	أَرادِل	أَفْضَل
أَعْمال	سَنَوات	عُقُول	شُهُور / أَشْهُر	بَهايم
وَجوه	مَلاعِب	مَطاعِم	مَصانِع	مَطابخ
مَوَاقِف	مَنازِل	مَكاتِب	مَطابِع	سَبيل
أَسعار	أَلوان	فَساتين	سَراويل	مَتاجِر
زُملاء	مَبالِغ	أَلاف	عِباد	أَدیان
أَشْياء	مَوازين	رُسُل	عُقلاء	جُهايل
رِجال	أولاد	أَعْداء	أَدعيَة	

انواع فعل

ماضى	مضارع	امر مخاطب	نهى	مصدر
أَمَنُوا	أَنْ يَكُونُوا (منصوب)	اجْتَنَبُوا	لا يَسْعَر	مَيّت
كَرِهَ	أَنْ يَكُرَّ (منصوب)	اَثَقُوا	لا تَلْمِزُوا	عُجِب